

درس پنجم: آغاز گری تنها

معنی کلمات:

اعطا: واگذاری، بخشش، عطا کردن / دارالسلطنه: پایتخت / اذن: اجازه، رخصت / ولایات: جمع ولایت، مجموعه شهرهایی که تحت نظر والی اداره میشود، معادل شهرستان امروزی / التهاب: شعله ور شدن و برافروختن، مجازا نا آرامی، بی قراری، اضطراب / توازن: تعادل، برابری / بختک: موجود خیالی یا سیاهی ای که بر روی شخص خوابیده می افتد، کابوس / چنبره زدن: چنبر زدن، حلقه زدن، به صورت خمیده و حلقه وار جمع شدن / زنبورک: نوعی توپ جنگی کوچک دارای دو چرخ که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می بستند / معبد: پرستشگاه، محل عبادت / نهیب: فریادی بلند، به ویژه برای ترساندن یا اخطار کردن / صفیر: صدای بلند و تیز / وجد: سرور، شادمانی و خوشی / موعد: زمان، هنگام / زبونی: فرومایگی، درماندگی / درایت: آگاهی، دانش، بینش

تشریح نکات درس

خوش تراش **کنایه** از خوش اندام / سینه فراخ **کنایه** از تنومند / بر تخت نشستن **کنایه** از به قدرت رسیدن / دست به کار نمی زد **کنایه** از کاری انجام نمی داد / یک جهان اغراق و **کنایه** / فقهای تدبیر **اضافه تشبیهی** / مثل کارد بر پهلوی نشستن **تشبیه و کنایه** از رنج آور بودن / به جان هم افتادن **کنایه** از درگیر شدن / قدم های بزرگ برداشتن **کنایه** از کارهای بزرگ انجام دادن / بوی پیشرفت **حس آمیزی** / باز کردن جا در دل کسی **کنایه** از به دست آوردن محبوبیت / لعاب به رو داشتن **کنایه** از ظاهری بودن / در تب و تاب و التهاب بودن **کنایه** از نگران بودن / سایه وحشت **اضافه استعاری** / تیغ کشیدن افتاب **کنایه** از طلوع کردن افتاب / دلاز کسی بردن **کنایه** از عاشق کردن بینندگان / بار خفت **اضافه تشبیهی** / وامانده ماندن و رفتن شدن **کنایه** از تردید داشتن / افسار گسیخته **کنایه** از غیر قابل کنترل / پاره های تن **استعاره** از فرزندان عزیز / پایان تلخ **حس آمیزی** / درهایی را به روی ما گشود **کنایه** از راه حل ها را به ما نشان داد / ما را از خواب بیدار کرد **کنایه** از ما را آگاه کرد / خانه های تاریک و بی دریچه **استعاره** از سنت های قدیمی / پنجره های باز و نور گیر **استعاره** از آگاهی / چشمشان را میزند **کنایه** از برایشان قابل تحمل نبود.

معنی کلمات:

شایق: آرزومند، مشتاق / مقرر: معلوم، تعیین شده / موزون: هم‌اهنگ، خوش‌نوا / جنون: شیفتگی، شیدایی، شوریدگی
کورسو: نور اندک، روشنایی کم / افراط: از حد در گذشتن، زیاده‌روی، مقابل تفریط طاقت فرسا: توان فرسا، سخت و
تحمل‌ناپذیر

نکات مهم درس

دست پیدا کردن **کنایه** از رسیدن به چیزی / دست و پا شکسته **کنایه** از ناقص / جیک هیچ کس در نمی‌آمد **کنایه** از
همه ساکت بودند / آبی تر **کنایه** از توانا تر / بی رنگ **کنایه** از ناتوانی / شیشه **نماد** ضعف و سنگ **نماد ستم** / جان تازه
گرفتن **کنایه** از نیرو گرفتن / ایه یاس خواندن **کنایه** از ناامید شدن / آیه یاس و نور امید **اضافه تشبیهی** / از همه بریده
بودن **کنایه** از از همه جدا شده بودند.

مای درس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir